

واکاوی عبارت «لیس منا» در احادیث از نظر محدثان فریقین*

سیدرضا مؤدب** و محمدرضا عزتی فردوئی***

چکیده

در مصادر اصلی حدیث فریقین روایاتی وجود دارد که معصومان (علیهم‌السلام) در آنها از عبارت «لیس منا» (از ما نیست) استفاده کرده‌اند. محدثان فریقین در تفسیر مقصود معصومان (علیهم‌السلام) از این تعبیر اختلافاتی دارند. در واقع، معنای این عبارت «لیس من شیعتنا» می‌باشد که از سیاق روایات و آیات فهمیده می‌شود. در پاره‌ای از روایات دیگر مصداق تعبیر «منا» شیعیان راستین است. در برخی دیگر از روایات این عبارت به معنای خروج از اسلام آمده است که اسلام در این روایات به معنای تسلیم شدن و پیروی کردن است نه اسلام به معنای اصطلاحی آن. در همه این موارد مقصود اصلی معصومان (علیهم‌السلام) از این عبارت «ولایت‌مداری و پیروی کردن از معصومان (علیهم‌السلام)» است و تفسیر برخی از محدثان اهل سنت از این عبارت مبنی بر «لیس من اخلاقنا و طریقتنا» صحیح نیست.

واژگان کلیدی: لیس منا، شیعیان حقیقی، کنایه در حدیث، مبالغه در حدیث

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۹/۱۳.

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم: Moadab_r113@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول): 1991ezzati@gmail.com

طرح مسئله

در مصادر اصلی حدیث فریقین روایاتی وجود دارد که معصومان علیهم‌السلام در آنها اشاره به رفتارهای خاصی کرده‌اند مبنی بر اینکه هر که این رفتارها را انجام دهد، از ما نیست و در این زمینه از عبارات «لیس منا» (از ما نیست) و «لیس منی» (از من نیست) استفاده نموده‌اند. با توجه به اینکه حدیث پژوهان فریقین در تفسیر این عبارات در اختلاف‌اند و اکثر این روایات در کتب معتبر حدیث فریقین آمده، لازم است از لحاظ دلالت بررسی شوند تا مقصود معصومان علیهم‌السلام از به کار بردن این تعابیر مشخص شود آیا معصومان علیهم‌السلام با به کار بردن «لیس منا» در پی بیان حکم واقعی بوده‌اند یا منظوری همچون مبالغه یا تأکید بر جایگاه پیروان حقیقی خود داشته‌اند؟ آیا عبارت «لیس منا» در کلام معصومان علیهم‌السلام غیر از معنای ظاهری خود لوازم دیگری هم دارد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها برخی از احادیث مشتمل بر «لیس منا» و «لیس منی» را در این پژوهش مورد پژوهش قرار داده و با استفاده از شواهد مختلف تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ دهیم.

۱- مصادر احادیث مشتمل بر «لیس منا»

۱-۱. احادیث مشتمل بر «لیس منا» در آثار مؤلفان کتب اربعه

الف) محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ق)

در کتاب «الکافی» آمده است: علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبدالله علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ؛ هر کس در امانت تخلف کند، از ما نیست» (کلینی، کافی ۱۴۰۷ق: ۵/۱۳۳).

احادیث دیگری نیز کتاب الکافی روایت شده است: (ر.ک: همان: ۸/۳۶۱؛ ۲/۴۵۳؛ ۶۳۷/۲؛ ۷۸/۲؛ ۴۹۶/۵؛ ۸۵/۲؛ ۳۳۷/۲؛ ۱۶۵/۵؛ ۱۶۰/۵؛ ۲۵۲/۱؛ ۲۹۶/۳؛ ۳۴/۵؛ ۳۷۰/۷؛ ۳۰۷/۲).

ب) محمد بن علی ابن بابویه (۳۸۱ق)

قال الصادق علیه‌السلام: «لیس منا من ترک دنیاہ لآخرته و لا آخرته لدنیا؛ از ما نیست کسی که دنیای خویش را برای آخرت ترک کند و کسی که آخرت خود را برای دنیایش [ترک کند].» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/۱۵۶).

احادیث دیگری در کتب دیگر شیخ صدوق (همان، ۱۳/۴؛ ۴۵۸/۳؛ ۳۵۱/۳؛ ۱۲۸/۲؛ عیون اخبار الرضا، ۱۳۷۸؛ ۲/۲۳۲؛ ۲/۳۳۵؛ ۲/۲۴ و ۲۳؛ صفات الشیعه، ۱۳۶۲؛ ۳ و ۷؛ الخصال ۱۳۶۲؛ ۱/۱۴ و ۱۴۵؛ کمال الدین ۱۳۹۵؛ ۲/۴۸۴؛ التوحید، ۱۳۹۸؛ ۱۰۴؛ معانی الاخبار، ۱۴۰۳؛ ۲۷۹؛ المقنع ۱۴۱۵؛ ۱۳۱).

ج) محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)

قال الصادق (علیه السلام): «لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يَلْزَمْ التَّقِيَّةَ؛ از ما نیست کسی که ملتزم به تقیه نباشد» (طوسی، امالی ۱۴۱۴؛ ۲۸۱؛ نیز، ر.ک. ۲۷۰، ۲۹۳، ۵۳۲).

۲-۱- دیگر مصادر احادیث مشتمل بر به «لیس منا»

نمونه‌های دیگر استفاده از عبارت «لیس منا» در مصادر حدیثی دیگر نیز آمده است: (این شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴؛ ۵۸؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴؛ ۲/۱۷۱ و ۱۸۰؛ ابن اشعث، جعفریات بی تا؛ ۱۰۴؛ ابن حیون، دعائم الاسلام ۱۳۸۵؛ ۲/۳۵۰ و ۱۶۴؛ مفید، اختصاص، ۱۴۱۳؛ ۲۴۱ و ۳۲؛ کوفی، تفسیر فرات، ۱۴۱۰؛ ۲۸۴ و ۱۷۸؛ قضاعی، شرح فارسی شهاب الاخبار ۱۳۶۱؛ ۱۴۶؛ ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۴۲۴؛ ۱۰۲؛ تقفی، الغارات، ۱۴۱۰؛ ۱/۶۹؛ خصیبی، الهدایه الکبری ۱۴۱۹؛ ۴۲۶؛ ابن حیون، شرح الاخبار ۱۴۰۹؛ ۳/۴۸۸).

با توجه به این گزارش می‌توان گفت این روایات مورد توجه محدثان شیعه از جمله مؤلفان کتب اربعه حدیثی شیعه و نیز محدثان برجسته اهل سنت از جمله بخاری و مسلم بوده است که در ادامه، ضمن شروع محدثان اهل سنت بر این روایات به برخی از آنها اشاره می‌شود.

همچنین در پژوهشی^[۱] که در مورد اعتبار این روایات صورت گرفته، از مجموع ۵۶ روایت ۱۰ روایت از نظر سند نزد متأخران صحیح است اما ۴۶ روایت به دلیل راویان ضعیف، مجهول و مهمل، از نظر سند نزد متأخران ضعیف تلقی شده است.

اما از نظر متن مضمون ۵۳ روایت از این ۵۶ روایت موافق قرآن و سنت و دیگر قرائن است و معتبر می‌باشند و تنها سه روایت قابل اعتماد نمی‌باشند.

۲- معنای عبارت «لیس منا»

برای عبارت «لیس منا» به دلیل حذف و تقدیر، احتمال دو معنا طرح شده است، اول آنکه منظور «لیس من اخلاقنا» یعنی «از اخلاق ما نیست» باشد که بسیاری از اهل سنت از

جمله ابن اثیر قائل به این معناست (ابن اثیر ۱۳۶۷: ۳/ ۳۶۹) و دوم آنکه منظور «لیس من حزبنا» و یا «لیس من شیعتنا» یعنی «از حزب ما یا از شیعیان ما نیست» باشد که اکثر محدثان شیعه از جمله محمد باقر مجلسی (مجلسی ۱۴۰۴: ۷/ ۹) قائل به این معناست. البته معانی دیگری از جمله «لیس من الاسلام» نیز برای این تعبیر ذکر شده که در ادامه به بررسی تفاسیر این لفظ می‌پردازیم.

۲-۱. معنای «لیس منا» طبق نظر حدیث‌پژوهان شیعه

الف) مولی صالح مازندرانی در شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید: «لیس منا من لم یملک نفسه عند غضبه...» از ما نیست کسی نفسش را در هنگام غضب کنترل نکند» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۳۷) «لیس منا، ای من زمرتنا و شیعتنا و من مذهبنا و ملتنا» (مازندرانی، شرح کافی، ۱۳۸۲: ۱۱/ ۸۰).

ب) علامه محمدباقر مجلسی در شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید: «لیس منا من لم یوقر کبیرنا و یرحم صغیرنا؛ از ما نیست کسی که بزرگ ندارد بزرگ ما را و رحم نکند بر صغیر ما» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۳۷) یعنی می‌نویسد: «أی من المؤمنین الکاملین أو من شیعتنا الصادقین» (مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ۱۴۰۴: ۷/ ۹).

ج) محمد تقی مجلسی در شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا و یستحل متعتنا؛ از ما نیست کسی که به بازگشت [رجعت] ما ایمان نیاورد و متعه ما را حلال نشمارد» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۵۸) می‌نویسد: «لیس منا و من شیعتنا» (مجلسی، روضه المتقین فی شرح لایحضره الفقیه، ۱۴۰۶: ۸/ ۴۵۳).

بنابراین این محدثان شیعه با اندک اختلافی «لیس منا» را به «لیس من شیعتنا» تفسیر کرده‌اند، اما در اینکه منظور شیعه حقیقی است یا مطلق شیعه، اختلاف است و با تأمل در احادیث معصومان (علیهم السلام) روشن می‌شود که شیعه در نظر آنها متقین و پیروان حقیقی آنها می‌باشد، چنان که امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «شیعتنا المسلمون لامرنا؛ شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر ما هستند» (ابن بابویه، صفات الشیعه، ۱۳۶۲: ۳). نیز امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إنما شیعتنا من تابعنا و لم یخالفنا؛ شیعیان ما تنها کسانی هستند که از ما پیروی کرده و با ما مخالفت نمی‌کنند» (حمیری، قرب الاسناد، ۱۴۱۳: ۳۵۰). به این ترتیب، طبق تعریف شیعه در روایات، نظر علامه مجلسی یعنی «از شیعیان راستین ما نیست» بهترین نظریه می‌باشد.

۲-۲. معنای عبارت «لیس منا» طبق نظر محدثان اهل سنت

الف) ابن اثیر جزری، محدث مشهور اهل سنت، در شرح حدیث نبوی ﷺ «من غشنا فلیس منا؛ هر کس با ما غش و نیرنگ کند، از ما نیست» می‌نویسد:

«قوله «لیس منا» ای لیس من اخلاقنا و لا علی سنتنا؛ عبارت «لیس منا» به معنای این است که از اخلاق و سنت ما نیست» (ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والایثر، ۱۳۶۷: ۳/ ۳۶۹).
 ب) ابوعبیده در شرح این حدیث، همین اعتقاد را دارد و ابن منظور نیز در «لسان العرب» از او پیروی کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶/ ۳۲۳).

ج) ابن حَجَر عسقلانی از مهم‌ترین محدثان اهل سنت در کتاب «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» در شرح حدیث پیامبر ﷺ: «من حمل علینا السلاح فلیس منا؛^[۲] یعنی هر کس علیه ما سلاح حمل کند، از ما نیست» می‌نویسد: «فلیس منا» یعنی بر طریقت و روش ما نیست و این لفظ احتمال این را دارد که بر نبودن بر آیین پیامبر نیز اطلاق شود هر چند از روی مبالغه (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۲/ ۱۹۷).

به این ترتیب ابن حجر نیز بر معنای نبودن در اخلاق و سنت تأکید دارد؛ هر چند که معنای نبودن در حزب و گروه (آیین) را نیز بر طریق مبالغه رد نکرده است.

د) شمس الدین کرمانی در شرح حدیث پیامبر ﷺ: «من لم یتغن بالقرآن فلیس منا؛^[۳] یعنی هر کس به قرآن تغنی نکند، از ما نیست» در کتاب «الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری» از قول چند تن از علمای اهل سنت می‌نویسد: «لیس منا» ای من أهل سنتنا ولیس المراد أهل دیننا؛ یعنی اهل سنت [و شیوه] ما نیست و مراد از آن خروج از دین نمی‌باشد (کرمانی، الکواکب الدراری فی شرح صحیح بخاری، ۱۳۵۶: ۲۵/ ۱۹).

ه) نووی در شرح حدیث «من غشنا فلیس منا؛^[۴] هر کس ما را فریب دهد، از ما نیست» می‌نویسد: معنای این عبارت نزد اهل علم آن است که از کسانی که با هدایت ما هدایت شود و به علم و عمل و طریقه نیک ما اقتدا کند، نیست؛ همان طور که پدر هنگامی که از کار فرزندش راضی نیست، می‌گوید: تو از من نیستی» (نووی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۰۹).

وی همچنین در شرح حدیث «ومن ادعی ما لیس له فلیس منا ولیتوباً مقعده من النار؛ هر کس ادعای چیزی را کند که شایسته آن نیست، از ما نیست و جایگاهش آتش است» بر همان تفسیر قبل تأکید می‌کند (همان، ۵۰/ ۲).

چنان که ملاحظه می‌شود، محدثان اهل سنت و شیعه در معنای این لفظ اختلاف دارند. از نظر محدثان اهل سنت، «لیس منا» شبیه بودن به سنت و اخلاق را نفی می‌کند، اما از نظر محدثان شیعه، این عبارت در حزب معصومان بودن را نفی می‌کند.

۲-۳. معنای «لیس منا» در آیات قرآن

در آیه ۲۴۹ سوره بقره آمده است ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي﴾؛ «زمانی که طالوت و سپاهیان [از شهر] فاصله گرفتند، طالوت گفت: خداوند شما را به وسیله نهری آزمایش می‌کند. هر کس از آن بنوشد، از من نیست». آنچه در آیه شریفه باعث جدا شدن برخی از سپاهیان از طالوت می‌شود، بحث ولایت و پیروی کردن است و مسئله آب نخوردن از نهر چیزی نیست که در مورد آن «لیس منی» آورده شود؛ به عبارت دیگر، آب نخوردن یک اخلاق به شمار نمی‌آید که در تفسیر «لیس منی» گفته شود: لیس من اخلاقی.

همچنین در آیه ۲۸ سوره آل عمران آمده است ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ﴾؛ «هر کس این کار را بکند (کافران را سرپرست خود بگیرد) هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: حرف «من» در این جمله برای ابتداست و در مثل چنین مقامی (لیس + من) گروه‌گرایی و حزب‌گرایی افاده می‌شود؛ یعنی هر کس این کار را بکند، از حزب خدا نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۳). علامه در تفسیر آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ (مائده / ۵۱)؛ «هر کس از شما که با آنها دوستی کند، از آنهاست» می‌فرماید: «ولایت در این آیه امری است که عقد آن باعث پیوستن یکی به دیگری می‌شود» (همان: ۷/۶).

پس، از نظر قرآن «لیس منا» به معنای «لیس من حزبا» می‌باشد و ملاک بودن در هر حزب از جمله حزب معصومان (علیهم‌السلام) پذیرفتن ولایت و پیروی کردن از آنهاست؛ چنان که در این آیه شریفه آمده است: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾ (ابراهیم / ۳۶)؛ «هر کس از من پیروی کند از [حزب] من است». مضمون این آیه شریفه دقیقاً همان مضمون حدیث امام رضا (علیه‌السلام) می‌باشد که می‌فرماید: «شیعنا المسلمون لأمرنا... و من لم يفعل فليس منا؛ شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر ما هستند و هر کس چنین نباشد از شیعیان ما نیست» (ابن بابویه، صفات الشیعه ۱۳۶۲: ۳).

بنابراین طبق آیات قرآن «لیس منا» به معنای «لیس من شیعتنا» می‌باشد و آنچه در آیات قرآن به عنوان معیار و محور برای بودن در هر حزب عنوان شده، طبق آیات ۳۶ سوره ابراهیم و ۵۱ سوره مائده «تبعیت و ولایت» می‌باشد.

۲-۴. معنای «لیس منا» از نظر راویان و محدثان متقدم

نقل به معنا شیوه‌ای عقلایی و امضا شده از سوی معصومان علیهم‌السلام می‌باشد، البته با تأکید بر این نکته که تفاوت واژه‌ها تفاوت معنوی ایجاد نکند (مسعودی، روش فهم حدیث، ۱۳۹۲: ۱۵۴). در احادیث شیعه نیز گاهی «لیس منا» نقل به معنا شده و از این نقل به معنا می‌توان به معنای «لیس منا» در دیدگاه راویان دست یافت؛ چنان که شیخ صدوق در کتاب المقنع از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است: «لیس منا من لم یصل صلاة الیل؛ از ما نیست کسی که نماز شب نخواند» (ابن بابویه، المقنع، ۱۴۱۵: ۱۳۱) و شیخ مفید که متأخر از شیخ صدوق است، «لیس منا» در این حدیث را به صورت «لیس من شیعتنا» یعنی «از شیعیان ما نمی‌باشد» آورده است (مفید، المقنعه، ۱۴۱۳: ۱۱۹).

شباهت عبارات دو روایت و اینکه هر دو به نقل از امام صادق علیه‌السلام می‌باشد، دال بر نقل به معنای روایت است، البته اگر این مسئله ثابت نشده و معتقد باشیم دو روایت مستقل‌اند، تغییری در نتیجه ندارد و باز حاکی از یکی بودن معنای این عبارت در نظر معصومان علیهم‌السلام می‌باشد.

۲-۵. معنای «لیس منا» از نظر سیاق روایات

از سیاق برخی از روایات به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که «لیس منا» به معنای «لیس من شیعتنا» می‌باشد در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «فمن کان من شیعتنا فلیتورع عن شرب الفقاع ... فإن لم یفعل فلیس منا؛ هر کس از شیعیان ما می‌باشد، باید از خوردن فقاع اجتناب کند ... و اگر این کار را نکند. از ما نیست» (ابن بابویه، عیون اخبارالرضا، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۳). مشخص است که صدر این روایت به خوبی ذیل آن را تفسیر می‌کند یا روایت دیگری از آن حضرت که می‌فرماید: «شیعتنا المسلمون لأمرنا ... و من لم یکن کذلک فلیس منا» (ابن بابویه، صفات الشیعه، ۱۳۶۳: ۳)، همین تفسیر را بیان می‌کند.

روایاتی نیز در کتب شیعه وجود دارد که در آنها مصداق «منا» شیعیان هستند؛ بنابراین، «لیس منا» نیز می‌شود به معنای «لیس من شیعتنا» باشد. چنان که امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «شیعتنا منا و نحن من رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ شیعیان ما از ما هستند و ما از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستیم»

(کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۸۴). یا در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نحن العرب و شیعتنا منا؛ ما عرب هستیم و شیعیان ما از ما هستند» (ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۴۰۴). شایان یادآوری است که لفظ شیعه در روایات معصومان علیهم السلام زمانی که در مقام معرفی آنها هستند، به معنای پیروان حقیقی آنهاست.

۳- مقصود اصلی معصومان علیهم السلام از عبارت «لیس منا»

در برخی موارد متکلم علاوه بر معنای ظاهری از یک لفظ، مقاصد و اهداف دیگری دارد که در برخی موارد توجه کردن به این مقاصد حتی ممکن است به تغییر حکم برداشت شده از کلام منجر شود. برای این منظور لازم است قرائن پیرامون حدیث مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱- کنایه

در برخی از روایات بررسی قرائن حکایت از آن دارد که امام علیه السلام از شیوه کنایه برای بیان مقصود خود استفاده نموده است. کنایه بدین معناست که متکلم لفظی را استعمال کند، اما مقصودش لازمه آن لفظ باشد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/ ۶۲). در روایات مورد بحث نیز معصومان علیهم السلام «لیس منا» را آورده‌اند، اما مقصود آنها لازمه آن می‌باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «من كان منا كان في الجنة» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۹۹)؛ به عبارت دیگر، امام علیه السلام در این روایت بر جایگاه شیعیان راستین تأکید کرده‌اند؛ زیرا قبلاً اثبات شد که مصداق «منا» شیعیان راستین هستند؛ بنابراین، بودن در بهشت لازمه تعبیر «منا» می‌باشد. این لازمه در روایات به صورت‌های مختلف آمده است؛ برای نمونه، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يا معشر الشيعة شيعة آل محمد عليهم السلام ... و لا بيننا و بين الله قرابة و لا لنا على الله حجة و لا نتقرب إلى الله إلا بالطاعة فمن كان منكم مطيعاً لله تنفعه و لا يتنا و من كان منكم عاصياً لله لم تنفعه و لا يتنا و يحكمم لنا تغتروا و يحكمم لنا تغتروا؛ ای شیعیان! شیعه آل محمد علیهم السلام ... بین ما و خداوند هیچ نزدیکی‌ای وجود ندارد و تنها از روی طاعت به سوی خداوند نزدیکی می‌جوئیم. هر کس از شما که خدا را اطاعت می‌کند، ولایت ما برایش سودمند است و هر کس از شما که از دستورات خدا سرپیچی می‌کند، ولایت ما برایش سودی ندارد. وای بر شما! مبادا مغرور شوید! وای بر شما! مبادا مغرور شوید!» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۷۶).

همان طور که گفته شد، ملاک اصلی شیعه حقیقی بودن یا بودن در حزب معصومان علیهم السلام «ولایت پذیری و اطاعت» است که در این حدیث نیز به آن اشاره شده است. در صورت عدم وجود این ملاک ها طبق این روایت و دیگر روایات رسیده از معصومان علیهم السلام ادعای بودن در حزب معصومان علیهم السلام سودی در پی ندارد.

بنابراین، مقصود معصومان علیهم السلام از «لیس منا» کنایه به شیعیان می باشد؛ یعنی کسانی که از ما نیستند، ولایت ما نیز بر ایشان سودی ندارد و با این لفظ بر جایگاه شیعیان راستین تأکید کرده اند که چنین افرادی از ولایت معصومان علیهم السلام سود و منفعت می برند و امید شفاعتشان را دارند. در حدیث زیر جایگاه شیعیان حقیقی ترسیم شده است:

امام رضا علیه السلام می فرماید: «ما من أحد من شیعتنا یرض إلا مَرَضنا لِمَرَضِهِ ولا اَعْتَمَ إلا اَعْتَمنا لِعَمِّهِ ولا یَفْرَحُ إلا فَرِحنا لِفَرَحِهِ ولا یَغِیْبُ عَنَّا أحدٌ مِّن شیعتنا این کان فی شرق الأرض أو غربها؛ هیچ یک از شیعیان ما مریض نمی شود مگر آنکه ما نیز به سبب مَرَضش مریض می شویم یا غمگین نمی شود مگر آنکه ما نیز غمگین می شویم و خوشحال نمی شود مگر آنکه ما نیز خوشحال می شویم و [امور] هیچ یک از شیعیان ما بر ما پوشیده نمی ماند چه در شرق زمین و چه در غرب آن».

۳-۳-۳-۳ مبالغه

مبالغه یعنی اینکه متکلم وصفی بیاورد و در آن اغراق کند تا سخنش بلیغ تر از معنایی باشد که قصد آن را کرده است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱ق: ۱۲/ ۱۷۹)؛ بنابراین، مبالغه از اقسام کذب نیست و هدف از آن رساندن مقصود است و این کار تنها از عهده انسان های بلیغی مانند معصومان علیهم السلام برمی آید؛ برای مثال، مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از عبارت «لیس منی» در حدیث «لیس منی من استخفَّ بصلاته» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۲/ ۲۶۹) را نمی توان با مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از عبارت «لیس منا» در حدیث «لیس منا من لم یتغن بالقرآن» (ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۲۷۹) مساوی قرار داد.

در حدیث نخست «لیس منی» بیانگر یک حکم واقعی یعنی حرمت استخفاف نماز می باشد و لازمه «لیس منی» در آن عدم شفاعت معصومان علیهم السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «إن شفاعتنا لاتنال مستخفاً بالصلاه» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۰۶)، اما روایت دوم از یک واقعیت تاریخی خبر می دهد که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

عده‌ای طبق عادت، به آوازهای دوران جاهلی مشغول بودند، در حالی که پیامبر ﷺ خوش داشت به جای این آوازهای جاهلی آوازشان به قرآن باشد (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث والایتر، ۱۳۶۷؛ ۳ / ۳۹۱)؛ به همین دلیل، پیامبر ﷺ در این موضوع مبالغه کردند تا بر فرهنگ زمان خود تأثیر بگذارند؛ لذا نمی‌توان گفت هر کس حسن صوت نسبت به قرآن نداشته باشد شیعه پیامبر نیست؛ چنانکه سید مرتضی در این زمینه می‌فرماید: «بعید است که کسی که حسن صوت نسبت به قرآن نداشته باشد، از دین و ملت پیامبر ﷺ خارج شود» (علم الهدی، امالی المرتضی، ۱۹۹۸ م: ۱ / ۳۶).

در نمونه‌ای دیگر، امام کاظم ﷺ برای اینکه سطح بالای تقوا و ورع مورد انتظار از شیعیان را برای مخاطبانش ترسیم کند، می‌فرماید: «لیس من شیعتنا من لاتتحدث المخدرات بورعه؛ از شیعیان ما نیست کسی که زنان خیمه نشین در مورد پرهیزکاری وی صحبت نکنند» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۹). امام صادق ﷺ نیز در روایتی می‌فرماید: «لیس منا و لا کرامه من کان فی مصر فیه مائه الف أو یزیدون و کان فی ذلک المصر أحد أروع منه؛ از ما نیست و هیچ کرامتی ندارد کسی که در سرزمینی باشد که در آن صد هزار نفر یا بیشتر باشند و در آن سرزمین شخصی با ورع تر از او باشد» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۸). هدف امام صادق ﷺ این است که به شیعیان بفهماند که هر شیعه باید تلاش کند تا از نظر تقوا سر آمد شهر خود باشد و برای رسیدن به آن تلاش کند اما در حد توانش؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ (تغابن / ۱۶)؛ «به اندازه توانتان پرهیزکار باشید».

البته مبالغه در هر حدیث با هدفی آمده است. در برخی هدف آگاه کردن شیعیان از ثواب زیادی می‌باشد که در انتظار آنهاست؛ مثلاً امام صادق ﷺ می‌فرماید: «لیس منا من لم یصل صلاة الیل؛ از ما نیست کسی که نماز شب نمی‌خواند» (ابن بابویه، المقنع، ۱۴۱۵: ۱۳۱)؛ بنابراین، امام صادق ﷺ در این روایت مبالغه کرده است تا ارزش نماز شب را به شیعیان نشان دهد و بفرماید که ترک نماز شب در شأن شیعیان راستین نیست.

نتیجه

۱- در این پژوهش مصدر تعداد زیادی از روایات مشتمل بر عبارت «لیس منی» و «لیس منا» ذکر شده که ۳۷ روایت در آثار مؤلفان کتب اربعه است. محدثان اهل سنت نیز برخی از این روایات را در کتب خود آورده‌اند. در پژوهشی که در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی سندی و دلالتی روایات معنون به «لیس منی» صورت گرفته، نشان داده شده که بخش جالب توجهی از این روایات معتبر می‌باشند.

۲- معنای عبارت «لیس منا» بین محدثان اهل سنت و شیعه مورد اختلاف است. محدثان اهل سنت «لیس منا» را به «لیس من اخلاقنا» تفسیر می‌کنند، اما از نظر محدثان شیعه و نیز به قرینه مفهوم آیات قرآن، آرای محدثان متقدم و سیاق این روایات معنای این عبارت «لیس من شیعتنا» می‌باشد و واژه «شیعه» در نظر معصومان (علیهم‌السلام) به افرادی اطلاق می‌شود که تقوا پیشه کرده، پیرو معصومان (علیهم‌السلام) باشند. به این ترتیب، هدف معصومان (علیهم‌السلام) جدا کردن شیعیان حقیقی از شیعیان اسمی و رتبه‌بندی شیعیان می‌باشد و هدف از این رتبه‌بندی ثمراتی است که از جانب معصومان (علیهم‌السلام) به شیعیان حقیقی می‌رسد و شیعیان ادعایی از آن محروم می‌باشند.

۳- برای به دست آوردن مقصود اصلی معصومان (علیهم‌السلام) از این روایات باید در کنار توجه به کاربردهای قرآنی و روایی، به قرائن و اسباب صدور این روایات نیز توجه شود؛ زیرا «لیس منا» در هر روایت با هدفی آمده و «خارج شدن از حزب معصومان (علیهم‌السلام)» را نمی‌توان به یک معنا و در یک سطح به همه این روایات تعمیم داد. قرائن پیرامون این روایات حکایت از آن دارد که این عبارت در برخی از این روایات با هدف کنایه و تأکید بر برخی لوازم و در برخی دیگر با هدف مبالغه بیان شده است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] ر.ک: عزتی، محمد رضا، بررسی سندی و دلالتی روایات معنون به «لیس منی من استخف بصلاته و...» استاد راهنما دکتر سید رضا مؤدب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۴ ش.

[۲] مشابه مضمون این حدیث در مصادر شیعه از امام صادق (علیه السلام) به این شکل نقل شده است: «من شهر السیف فلیس منی؛ هر کس شمشیر بکشد، از ما نیست» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۷ / ۳۷۰).

[۳] این حدیث در مصادر حدیث شیعه نیز وجود دارد (ر.ک: ابن بابویه ۱۴۰۳: ۲۷۹).

[۴] این روایت در مصادر حدیث شیعه نیز وجود دارد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۰ / ۵).

منابع

۱. ابن اثیر جزری، النہایہ فی غریب الحدیث والاثار، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن بابویہ، محمد بن علی، ثواب الاعمال وعقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن بابویہ، محمد بن علی، خصال، قم: جامعہ مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن بابویہ، محمد بن علی، المقنع، قم: موسسه امام مهدی علیہ السلام، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن بابویہ، محمد بن علی، توحید، قم: جامعہ مدرسین، ۱۳۷۶ق.
۶. ابن بابویہ، محمد بن علی، صفات الشیعہ، تهران: علمی، ۱۳۶۲ش.
۷. ابن بابویہ، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمہ، تهران: الاسلامیہ، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۸. ابن بابویہ، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۹. ابن بابویہ، محمد بن علی، من لایحضر الفقیہ، قم: جامعہ مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. ابن بابویہ، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیہ السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح بخاری، بیروت: دارالمعرفہ، ۱۳۷۹ق.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسہ آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبہ آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دارالثقافہ، ۱۴۱۴ق.
۱۷. علم الهدی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، قاہرہ: دارالفکر، ۱۹۹۸م.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانہ امیر المومنین علیہ السلام، ۱۴۰۶ق.

۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۲۰. کرمانی، محمد بن یوسف، الکواکب الدراری فی شرح صحیح بخاری، بیروت: دار الاحیاء التراث، ۱۳۵۶ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه کوشانیور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۵. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ش.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۷. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۳۹۲م.